

آیا راهکارهای بازرگانی خارجی می‌تواند به افزایش سهم ایران در تجارت جهانی بینجامد؟

اشاره:

رقابت در بازارهای بین‌المللی تحت‌تأثیر فعالیت بلوک‌های اقتصادی، کشورها و نیز بنگاه‌های اقتصادی برای دستیابی به بازارهای وسیع‌تر با رقابت فشرده‌تری روبه‌رو می‌شود. طبق آمار منتشره از سوی منابع مالی بین‌المللی رشد تجارت جهانی در سال‌های ۷۹-۱۹۶۰ برابر با ۷/۴ درصد، در دهه ۸۰ به میزان ۳/۹ درصد، در نیمه نخست دهه ۹۰ (۹۵-۱۹۹۰) به میزان ۵/۵ درصد، در سال ۱۹۹۶ به میزان ۴ درصد و در سال میلادی گذشته به میزان ۹/۵ درصد ثبت شد.

بحران مالی شرق آسیا سبب شده که رشد تجارت جهانی در سال میلادی جاری به میزان ۶ درصد و در سال آینده میلادی ۶/۵ درصد پیش‌بینی شود. انتظار می‌رود در سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۹ این رشد به ۷ درصد برسد.

رشد تجارت جهانی اگرچه نوید افزایش مبادلات بازرگانی میان کشورها را می‌دهد، لیکن بهره‌جویی از این روند رو به توسعه، مستلزم انجام اصلاحات اقتصادی - تجاری و افزایش توان رقابت تولیدات ملی در بازارهای بین‌المللی است.

اقتصاد ایران برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار نیازمند همسویی با روند روبه‌گسترش تجارت بین‌المللی و افزایش سهم خود در این رقابت فشرده می‌باشد. مسلماً ساماندهی بازرگانی خارجی در کنار انجام اصلاحات اقتصادی و تقویت بنیه رقابت بنگاه‌های اقتصادی، می‌تواند به گسترش سهم ایران در تجارت بین‌المللی کمک بسزایی داشته باشد.

این مقاله که از سوی **آقای مسعود بنی‌اسد** کارشناس مسایل اقتصادی تهیه شده، به بررسی سیاست‌های بازرگانی خارجی ایران در سال‌های اخیر و راهکارهای توصیه شده در طرح ساماندهی اقتصادی برای رشد صادرات غیرنفتی می‌پردازد.

سیاست‌های تجاری ایران در سال‌های اخیر به ویژه در بخش صادرات غیرنفتی بیشتر تحت‌تأثیر نوسانات عرضه کالاهای در بازار داخلی و سیاست‌های ارزی تعیین شده از سوی بانک مرکزی بوده است.

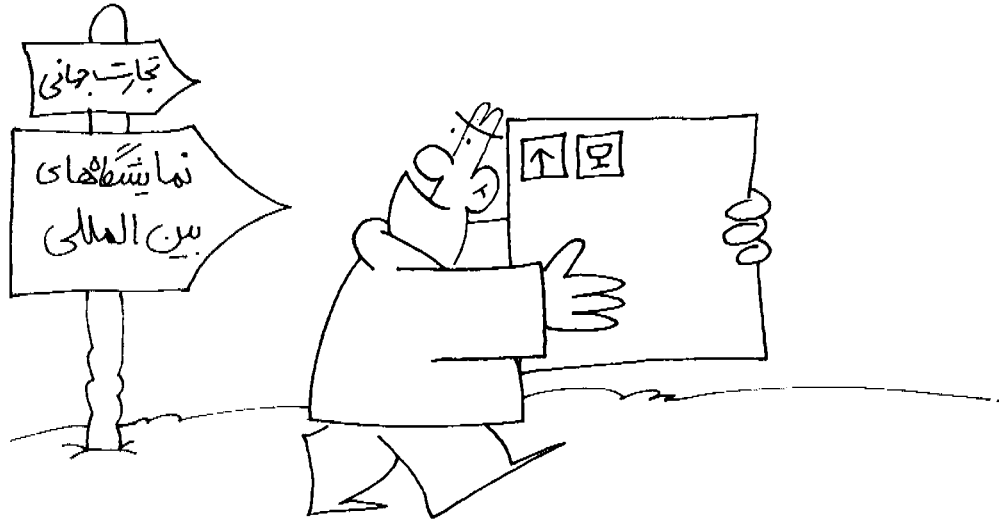
براساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های اخیر سیاست‌های ارزی و بازرگانی خارجی در راستای این اهداف بوده است:

۱- ایجاد مزاد تراز تجاری جهت بازسازی و تقویت ذخایر ارزی همزمان با بازپرداخت به موقع تعهدات ارزی کشور
۲- تخصیص منابع ارزی به بخش‌های موردنظر از طریق هدایت ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی به سیستم بانکی و کنترل واردات از طریق پیمان‌سپاری

۳- تثبیت نرخ ارز با هدایت کلیه مبادلات ارزی و بازرگانی خارجی به

سیستم بانکی.

در این گزارش آمده است که در راستای این اهداف، در سال ۱۳۷۶ فروش ارز با نرخ غیراز نرخ شناور از اهمیت و نقش بیشتری برخوردار شد. دولت براساس قانون بودجه مکلف شد ارز مربوط به واردات کالاهای ضروری و سرمایه‌ای را با استفاده از نرخ‌های شناور و صادراتی به نحو مقتضی اختصاص دهد. قانون مذکور به صادرکنندگان فرش اجازه



گیرد و واردات به صورت بدون انتقال ارز با استفاده از ارز منشأ خارجی ممنوع می باشد.

در اواخر بهمن ۷۶ ممنوعیت خرید واریزنامه توسط شرکتها و سازمانهای دولتی از طریق سازمان بورس اوراق بهادار نیز لغو گردید.

براساس تصویبنامه مورخ ۷۶/۱۲/۲۱ هیأت وزیران، کلیه صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی اجازه یافتند ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات غیرنفتی خود را پس از واریز به شبکه بانکی برای واردات کالا طبق فهرستهای مجاز اعلام شده، استفاده نمایند و یا نسبت به فروش واریزنامه مربوطه در بورس اقدام نمایند.

راهکارهای ارایه شده برای رشد صادرات غیرنفتی در سال گذشته که در جهت آزادسازی بیشتر صورت گرفته است، هنوز نتوانسته تأثیر مثبتی بر تجارت غیرنفتی ایران به ویژه در بخش صادرات به جای گذارد.

دولت سعی دارد که با ضوابط پیمان سپاری از یک سو از خروج سرمایه از کشور جلوگیری کند، و ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را در تأمین بخشی از نیازهای وارداتی به کار گیرد و از سوی

درخواست خرید واریزنامه را می نمایند. در مقررات مذکور، شرکتها و دستگاههای دولتی از مراجعه به بورس منع شدند. در این مورد کمیته نظارت بر خرید و فروش واریزنامه صادراتی در بورس تهران تشکیل شد. این کمیته نرخهای حداقل و حداکثر واریزنامه را تعیین و یا حکم به توقف و یا ابطال معامله در این زمینه را صادر می کند.

بانک مرکزی در گزارش خود افزود: بدین ترتیب نرخ مؤثر ارز صادراتی به میزان ارزش واریزنامه متعلقه، افزایش یافت.

در اقدام دیگری بانک مرکزی اعلام کرد، نقل و انتقال ارز با منشأ خارجی مشروط بر اینکه صاحب آن تعهدی برای فروش به سیستم بانکی کشور نداشته باشد، نظیر ارز مازاد بر تعهد پیمان ارزی کالاها و خدمات و ارز حاصل از اشتغال ایرانیان خارج از کشور و...، از طریق سیستم بانکی و با رعایت سایر مقررات، مشمول قیمت های رسمی اعلام شده از طرف بانک مرکزی نبوده و به صورت مرضی الطرفین تعیین می شود. این مقررات، دستگاههای دولتی و نهادها را شامل نمی گردد. واردات کالا نیز کماکان از طریق سیستم بانکی بایستی صورت

داد تا ارز حاصل از صادرات فروش را خود و یا نماینده وی جهت واردات کالاهای مجاز مورد استفاده قرار دهد.

همچنین حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی (به جز کالاهای اساسی، کاغذ و چند قلم کالای دیگر) به ازاء هر دلار ۲۰۰ ریال تعیین گردید.

در تیرماه سال گذشته تعهدنامه های ارزی صادرات کلیه کالاهای غیرنفتی (به جز فرش دستباف) که تاریخ اظهارنامه صادراتی آنها از اول سال ۷۶ به بعد بود، مشمول استفاده از ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات جهت واردات کالا گردید.

در اواخر تیرماه ۷۶ در رابطه با نحوه انتقال مجوز واردات در مقابل صادرات (واریزنامه) به شخص ثالث و استفاده از آن برای واردات کالا یا خدمات تمهیداتی منظور شد. براساس ضوابط مذکور، صادرکنندگان اجازه یافتند در صورت تمایل واریزنامه خود را از طریق بورس اوراق بهادار به دیگری واگذار نمایند. واریزنامه مذکور فقط برای یک بار در بورس قابل معامله اعلام شد و هرگونه نقل و انتقال آن در خارج از بورس غیرقانونی اعمال شد.

براساس ضوابط مذکور واردکنندگان با مراجعه به بانک و طی مراحل خاص،

دیگر بازار سایه را به تدریج از بین ببرد تا از افت شدید ارزش ریال در برابر ارزهای معتبر جلوگیری کند. از آنجا که هنوز اقتصاد ایران برای داشتن رشد متعادلی نیازمند دستکم ۱۵ میلیارد دلار کالا (به ویژه مواد خام، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) می‌باشد و درآمد حاصل از صادرات نفت، پاسخگوی تأمین این نیاز نمی‌باشد، کنترل بر ارز حاصل از صادرات غیرنفتی همچنان متداول می‌باشد.

دلار و درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی ۳ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. به عبارت دیگر انجام به موقع تعهدات خارجی سال جاری (استمهالی و جدید و در مجموع به میزان ۱۲ میلیارد دلار) برداشت از ذخایر خارجی و یا استفاده از اعتبارات خارجی جدید را غیرقابل اجتناب می‌سازد. در حالی که از آغاز سال جاری تاکنون نرخ ارز واریزنامه‌ای حدود ۲۵۰ ریال

ارز حاصل از صادرات کالاها به سیستم بانکی، منجر به کاهش ارزش صادرات غیرنفتی شد. در سال ۱۳۷۴ ارزش صادرات غیرنفتی ایران ۳/۱۲ میلیارد دلار، در سال ۱۳۷۵ به میزان ۳/۲ میلیارد دلار و در سال گذشته حدود ۳ میلیارد دلار اعلام شده است.

مقررات حاکم بر نقل و انتقال ارز، تشریفات اداری طولانی (پیمان‌سپاری، بازگشت ارز به سیستم بانکی، ثبت سفارش و...)، نداشتن بهره‌گیری قانونی از ارز با منشأ خارجی در کار واردات و... سبب شده است که سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دلار کالا به طور غیرقانونی (قاچاق) وارد کشور شود که به طور عمده کالاهای مصرفی بادوام، تسطعات رایسانه‌ها و... می‌باشند.

○ **اتخاذ راهبردهای تجاری برای افزایش سهم ایران در تجارت جهانی با اقتدار در تصمیم‌سازی‌ها بر مبنای مطالعات کارشناسی باید به وزارت بازرگانی سپرده شود و در جهت جذب سرمایه‌گذاری فارمی و فن‌آوری باید بیش از پیش گام برداشت.**

سیاست‌هایی که دولت برای تجارت خارجی (واردات و نیز صادرات غیرنفتی) دنبال می‌کند، پیش از آنکه بخش بازرگانی را مدنظر داشته باشد به نوسانات نرخ ارز در بازار سایه توجه

دارد. بساز کردن فضای معامله واریزنامه‌های ارزی برای دستگاه‌ها و نهادهای دولتی بیشتر به لحاظ تضعیف توان مالی دولت در تأمین تقاضای ارز این دستگاه‌ها که واحدهای تولیدی بیشتری را تحت پوشش دارند، صورت گرفت. با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و ضرورت بازپرداخت به موقع تعهدات خارجی، منابع ارزی دولت به شدت آسیب دیده است.

برای هر دلار افزایش یاقته است، روند صادرات غیرنفتی همچنان با نزول روبه‌رو است. ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سه ماهه نخست سال جاری بار دیگر حدود ۳ درصد کاهش داشت. به عبارت دیگر سیاست‌های تجاری اتخاذ شده بیشتر در راستای ساماندهی بازار ارز و منابع و مخارج ارزی بوده است و کمتر به اهداف اصلی یعنی دسترسی به رشد اقتصادی در سایه رشد تجارت خارجی نزدیک شده است.

آنچه مسلم است اقتصاد ایران برای تأمین تقاضای داخلی (تقاضای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) به واردات سالانه ۲۰ میلیارد دلار کالا (مصرفی، مواد خام، واسطه‌ای و سرمایه‌ای) نیاز دارد و تأمین ارز مورد نیاز آن با اتکاء به درآمدهای نفتی امکان‌پذیر نیست. لذا گسترش صادرات غیرنفتی برای جلوگیری از استقراض بیشتر از منابع خارجی، الزامی است.

بنابر گزارش بانک مرکزی در سال گذشته ۴/۵ میلیارد دلار از تعهدات خارجی کشور کاهش یافت. در سه ماهه نخست سال جاری ۴ میلیارد دلار بابت تعهدات استمهالی و جدید به منابع خارجی بستانکار پرداخت شد و هنوز ۸ میلیارد دلار تا پایان سال از بابت تعهدات خارجی (استمهالی و جدید) باید پرداخت شود. این در حالی است که درآمد نفتی ایران در سال جاری حدود ۱۰/۵ میلیارد

تکاپوی دولت برای رونق بخشی به صادرات غیرنفتی نیز به طور عمده از این امر ناشی شده است. اما هنوز نرم‌افزارهای مناسب برای رونق صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات تعبیه نشده است. پیچیدگی قوانین و ضوابط اجرایی و تشریفات اداری، در کنار فقدان قابلیت رقابت تولیدات ملی در اثر افزایش قیمت تمام‌شده آنها (ناشی از سوءمدیریت واحدهای تولیدی - صنعتی، افزایش نرخ

آمار صادرات غیرنفتی ایران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در اثر آزادسازی‌های انجام شده در نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ارزش صادرات غیرنفتی از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به رکورد ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت. اما تدابیر اتخاذ شده در راستای نظم بخشی به بازار ارز و بازگشت

ارز برای تأمین مواد اولیه، قطعات، تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز، عقب‌ماندگی فن‌آوری و کیفیت نازل بسیاری از کالاهای تولیدی) مانع از رشد صادرات غیرنفتی ایران می‌باشد.

در همین حال بازرگانان، هنوز با روش‌های سنتی به مبادله کالا می‌پردازند و برای ورود به بازارهای جدید (غیرسنتی) تلاش قابل ملاحظه‌ای ندارند. از این رو افزایش سهم ایران در تجارت بین‌المللی از میزان کنونی ۰/۳۴ درصد به ۱ درصد که هدف می‌باشد، چندان ساده به نظر نمی‌رسد.

دیدگاه‌های طرح ساماندهی اقتصادی درباره تجارت خارجی راهبردهای تجاری مدنظر برنامه ساماندهی تا حدود زیادی ادامه و

استمرار سیاست‌های گذشته و متمرکز بر سیاست‌های ارزی است.

در این برنامه که از سوی ریاست جمهوری اسلامی ایران در اواسط مردادماه اعلام شد، تصریح شده است که برای تشویق صادرات غیرنفتی، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی برای واردات کالاهای مجاز متعلق به صادرکننده و در اختیار وی خواهد بود. صادرکننده در صورت تمایل به فروش ارز یادشده می‌تواند آن را از طریق عرضه و تقاضا در بازار واریزنامه بورس مورد معامله قرار دهد.

فهرست کالاهای قابل ورود با ارز حاصل از صادرات (واریزنامه‌ای) توسط دولت تعیین می‌شود. هر گونه تغییر در فهرست فوق که منجر به افزایش قیمت ارز واریزنامه‌ای شود، با دقت مورد بررسی علمی و کارشناسی قرار خواهد

گرفت.

در این طرح آمده است که نرخ ارز دولتی تا پایان سال ۷۸ افزایش نمی‌یابد.

در سال‌های بعد هم با بررسی دقیق و علمی در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.

ارز صادراتی برای انجام سرمایه‌گذاری و تأمین مواد اولیه‌ای اختصاص می‌یابد که مورد نیاز برخی از تولیدات و کالاهای ضروری و حساس است و در جهت حمایت از این نوع تولیدات و جلوگیری از افزایش قیمت آنها، نرخ ارز تخصیصی‌شان تا زمان تعیین سیستم حمایتی جانشین، افزایش

○ راهبردهای تجاری ایران در سال‌های اخیر بیشتر متکی به سیاست‌های ارزی برای ایجاد توازن در تراز پرداخت‌های فاری بوده و کمتر به راهبردهای بازرگانی برای افزایش سهم ایران در تجارت جهانی توجه داشته است.

نمی‌یابد.

چنانچه درآمدهای ارزی از مقدار پیش‌بینی شده در بودجه هر سال بیشتر شود، مازاد منابع جهت حفظ و حمایت و رونق تولید و کاهش هزینه تمام‌شده واحدهای تولیدی و توسعه سرمایه‌گذاری مولد به نرخ صادراتی اختصاص می‌یابد.

با شرایط کنونی نمی‌توان انتظار داشت که رونق صادرات غیرنفتی دست‌کم در میان‌مدت تحقق پیدا کند. نقش وزارت بازرگانی در تدوین راهبردهای تجاری کم‌رنگ است و تعادل بخشی به بازار ارز بیش از تجارت خارجی اهمیت یافته است.

اگرچه برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در طرح ساماندهی راهبردهای اقتصادی و تجاری بیان شده و توسعه و تشویق صادرات، جایگزینی صادرات با اتکا بر گسترش صنایع تبدیلی و عدم

صادرات منابع اولیه مانند نفت، سنگ‌های معدنی و... و نیز جایگزینی واردات با رویکرد نسبی در جهت خودکفایی تصریح گردیده است، اما انتظار نمی‌رود که این راهبردها تحولی اساسی در رشد صادرات غیرنفتی و افزایش سهم ایران در تجارت جهانی به وجود آورد.

به نظر برخی کارشناسان کاهش تشریفات اداری حاکم بر تجارت، در کنار تلاش برای ارتقاء توان رقابتی تولیدات ملی با استفاده از فن‌آوری روز و اصلاح ساختار مدیریتی بنگاه‌های اقتصادی الزامی است. صادرات

غیرنفتی ایران با وجود کیفیت نه‌چندان مطلوب از قیمت بالایی برخوردار است که همین امر تقاضای خارجی برای آنها را کاهش می‌دهد.

از سسوی دیگر تلاش‌های بازاریابی، استفاده از

بازاریابی، استفاده از روش‌های نوین تجاری در جهت افزایش کارایی تجاری و... هنوز به‌طور گسترده انجام نمی‌شود.

کارشناسان معتقد هستند که وزارت بازرگانی در اتخاذ راهبردهای تجاری برای افزایش سهم ایران در تجارت بین‌المللی باید از اقتدار بیشتر در تصمیم‌سازی‌ها بر مبنای مطالعات کارشناسی بهره‌مند گردد و تلاش در حیطه جذب فن‌آوری و سرمایه‌گذاری خارجی برای ارتقاء کیفیت تولیدات بیش از پیش دنبال گردد.

